

راه‌های خروج از بحران خاورمیانه

امیرحامد آزاد *

چکیده

در ادبیات نظری جنگ چریکی، اصلی محوری وجود دارد که بر مبنای آن مبارزه نامتعارف از جهات سیاسی، نظامی و اقتصادی همواره وابسته به طرفی دولتی است که «ذی‌نفع سوم» خوانده می‌شود. چریک‌ها مبارزانی هستند که وقتی در صفحه شطرنج سیاسی منافع طرف ذی‌نفع سوم را به خطر اندازند، صرفاً به اندازه «گوشت دم توپ» ارزش دارند؛ بنابراین در نهایت پایان رابطه طرف دولتی (سوم) با چریک‌ها به «سیاه‌چاله» ای برای چریک‌ها تبدیل خواهد شد. به نظر می‌رسد این بنیان نظری درباره داعش نیز صادق است؛ چنان که می‌توان با تدوین شکلی از یک ضد استراتژی در مقابل استراتژی ذی‌نفع سوم، رابطه داعش با «ذی‌نفع سوم» را به «سیاه‌چاله» بدل کرد. این روند دست‌کم در بعد نظری به فرایند خودنابودسازی داعش توسط کنشگران ذی‌نفع در بقای این سازمان خواهد انجامید.

واژگان کلیدی

مرکز ثقل، قابلیت‌های حیاتی، الزامات حیاتی، آسیب‌پذیری‌های حیاتی، ذی‌نفع سوم، هرج و مرج سازنده

* دانشجوی دوره دکتری روابط بین‌الملل amirhamedezad@chmail.ir

تاریخ تصویب: 1394/06/30

تاریخ دریافت: 1394/06/10

مقدمه

سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، در سخنرانی‌ای به مناسبت سالگرد پیروزی حزب الله در جنگ 33 روزه که 15 آگوست 2014 (24 مرداد 1393) ایراد کرد، ضمن قیاس بحران ظهور داعش با دوران تشکیل اسرائیل، با یادآوری عدم درک تاریخی خطر تشکیل این رژیم، آن را «واقعیت خارجی» نامید که به «حکومت» تبدیل شده و مساحت جغرافیایی «بسیار گسترده» ای را اشغال کرده و بر آن تسلط یافته است. وی خطر را «بالفعل» و «غیرمعوق» و «وجودی» دانست که حتی قرار نیست دو سال دیگر رخ دهد. سید حسن نصرالله با استناد به سقوط یک‌شبه موصل گفت: «در هر کدام از کشورهای منطقه ممکن است در یک شب تا صبح هر اتفاقی بیفتد».¹

از سوی دیگر، با گذشت یک سال از ورود نیروهای ائتلاف برای مقابله با داعش با هزینه روزانه معادل 8,3 میلیون دلار² و مشارکت 52 کشور در امور پشتیبانی حمله به مواضع «داعش»³ از نابودی یا دست‌کم توقف پیشرفت آن ناتوان هستند. در همین راستا، ژنرال لوید آستین، رئیس مرکز فرماندهی ایالات متحده امریکا، مداوم افکار عمومی جهان را به «صبر استراتژیک» در مقابل داعش دعوت می‌کند. داعش با شبکه‌های پراکنده نیروی انسانی، الهام‌بخشی استراتژیک پر طمطراق و توانایی استراتژیک در طراحی و اجرای مداوم حملات تهاجمی، نشانه‌ای از وجود یک سازمان رزم و رهبری سیاسی است که شاهدهی بر تعریف

1. بخش فارسی پایگاه اطلاع‌رسانی مقاومت اسلامی لبنان، سخنرانی سید حسن نصرالله، دبیر کل حزب الله لبنان، در جشن هشتمین سالگرد پیروزی حزب الله در جنگ 33 روزه، قابل بازیابی در: <http://www.moaqawama.ir/?speech=930118&title=>

2. براساس گزارش رسمی جان آلن و برت مک گورک، نمایندگان ویژه نیروهای ائتلاف جهانی ضد داعش در وزارت دفاع ایالات متحده آمریکا، قابل بازیابی در: <http://www.state.gov/s/sect/index.htm>

3. براساس اظهارات 17 اکتبر 2014، قابل بازیابی در: <http://www.defense.gov/news/newsarticle.aspx?id=123439>.

سید حسن نصرالله از «بالفعل»، «غیرمعوق» و «وجودی» بودن خطر داعش است که محدوده جغرافیایی آن نیز «بسیار گسترده» توصیف شده است. بنابراین چنین پدیده‌ای قطعاً واجد ویژگی‌های «قدرت» و منابع آن است. به منظور شناسایی منابع قدرت داعش، نابودی یا اخلال در این منابع، هدفی است که مقاله پیش رو سعی دارد آن را محقق کند. بنابراین در ادامه تلاش خواهیم کرد به این سؤال‌ها پاسخ دهیم که داعش از چه منابع قدرتی برخوردار است؟ راه‌های نابودی یا اخلال این منابع قدرت چیست؟

چارچوب‌های نظری: مرکز ثقل، آشوب سازنده و ذی نفع سوم

برای پاسخ به سؤال‌های طرح‌شده، از ترکیب چارچوب‌های نظری «مرکز ثقل»^۱ «هرج و مرج سازنده» و «ذی نفع سوم» بهره خواهیم برد. برای شناخت منابع قدرت داعش از نظریه مرکز ثقل و برای نابودی یا اخلال در این مراکز از ترکیب دو چارچوب نظری هرج و مرج سازنده و ذی نفع بهره خواهیم گرفت.

نظریه «مرکز ثقل» از کارل وُن کلازویتز^۲ چارچوبی مفهومی است که وزارت دفاع ایالات متحده سعی می‌کند براساس آن به توصیف منابع قدرت دشمنان خود بپردازد. بر این اساس کلازویتز می‌گوید: «در جنگ، یک مرکز ثقل مستقل، شبکه‌ای از قدرت و حرکت را گسترش می‌دهد که همه چیز در چارچوب آن به هم وابسته‌اند. این نقطه معارضی است که همه نیروی ما باید معطوف آن باشد» (Lewis: 2014: 16).

اما مرکز فرماندهی ارتش ایالات متحده آمریکا در بخش شرایط عملیاتی و نمادهای نظامی، مرکز ثقل را این‌گونه تعریف می‌کند: «منابعی از قدرت که فراهم‌کننده قدرت معنوی یا فیزیکی، آزادی عمل یا اراده عمل است» (Adrp: 1-02, C2:2012: 18).

۱. Center of Gravity

۲. Carl von Clausewitz

ستاد مشترک ارتش امریکا نیز اجزای مرکز ثقل را این طور دسته‌بندی می‌کند:

1. قابلیت‌های حیاتی: ¹ مفهومی که یک نیروی محرک قطعی را برای یک مرکز ثقل به منظور انجام مأموریت ایجاد می‌کند. این نیروی محرک برای انجام امور مشخص و دستیابی به اهداف فرضی ضروری است.

2. الزامات حیاتی: ² یک شرط ضروری، منبع یا مفاهیمی برای قابلیت حیاتی به منظور انجام عملیاتی تمام‌عیار است.

3. آسیب‌پذیری‌های حیاتی: ³ یک جنبه از الزامات حیاتی که برای انجام حمله‌ای مستقیم یا غیرمستقیم، ناکارآمد یا آسیب‌پذیر جلوه می‌کند و آثار عمیق و قطعی بر جای خواهد گذاشت (Echevarria: 2002: 11).

در این مقاله سعی خواهیم کرد بعد از شناخت مراکز ثقل قدرت داعش و اجزای آن، با کمک چارچوب نظری «هرج و مرج سازنده»، با استفاده از اخلال در سازمان و نظم آشوب سازنده، راه‌هایی برای نابودی یا اخلال در ساختار این مراکز ثقل بیابیم.

نظریه «هرج و مرج سازنده»⁴ یا «هرج و مرج خلاق»⁵ در دکترین نظامی و سیاست خارجی ایالات متحده امریکا بخش دیگری از ادبیات نظری مورد استناد ما در تحلیل داده‌های این پژوهش است. هرج و مرج سازنده یک سیستم آشوب فیزیکی، شامل ایجاد بی‌نظمی به واسطه عوامل غیرتصادفی در قالب نوسانات کنترل‌ناپذیر و در حال صعود است که در نهایت به سردرگمی شدید بومی - اجتماعی می‌انجامد. عملیاتی شدن این نظریه به طور مستقیم با تظاهرات نظامی و سخت‌افزاری ناشی از رفتارهای کاملاً حساب‌شده و سیستماتیک همراه

۱. Critical Capabilities

۲. Critical Requirements

۳. Critical Vulnerabilities: CV

4. Constructive Chaos

5. Creative Chaos

است و به‌رغم ایجاد آشوب، بی‌نظمی ایجادشده را قابل پیش‌بینی، کنترل و هدایت می‌کند (Durham: 1997: 3).

برای شرح نظری راه‌های اخلال در آشوب سازنده، از ادبیات نظری پارتیزان کمک خواهیم گرفت. بر این اساس اصلی محوری در نظریه جنگ پارتیزانی وجود دارد که بر مبنای آن مبارز نامتعارف - در اینجا داعش - از جهات سیاسی، نظامی و اقتصادی همواره وابسته به طرفی دولتی است که «ذی‌نفع سوم»¹ خوانده می‌شود. رالف شوررز و کارل اشمیت، از نویسندگان ادبیات جنگ‌های چریکی، روی نقش «ذی‌نفع سوم» در جنگ پارتیزانی تمرکز می‌کنند و پایان این نقش‌آفرینی را مساوی نابودی پارتیزان‌ها توسط «ذی‌نفع سوم» می‌دانند، زیرا منافعش از سوی چریک‌ها به خطر افتاده است. کارل اشمیت چریک‌ها را مبارزانی می‌داند که در صفحه شطرنج سیاسی و زمانی که منافع طرف ذی‌نفع سوم را به خطر اندازند، صرفاً به اندازه «گوشت دم توپ» ارزش دارند. جان ورنر مولر نیز یکی از منتقدان نظریه پارتیزانی است که بر چالش «ذی‌نفع سوم» متمرکز می‌شود که در نهایت، پایان رابطه طرف دولتی (سوم) با چریک‌ها را به یک «سیاه‌چاله» تعبیر می‌کند (Schmitt, 2004: 53-59).

اجزای مرکز ثقل و مصادیق آن در داعش

به نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا بر اساس تحلیل اجزای مرکز ثقل قدرت داعش، ضد استراتژی نظری خود را تدوین می‌کند که طبیعتاً به تخمین دقیق «قابلیت‌های حیاتی»، «الزامات حیاتی» و «آسیب‌پذیری‌های حیاتی» این سازمان سیاسی - نظامی نیاز دارد. در اینجا مدعی هستیم ایالات متحده آمریکا با شناسایی اجزای مراکز ثقل قدرت داعش به این نتیجه مهم دست یافته که این ساختار بر

1. Interested Third Party

پایه‌هایی استوار است که نابودی آن در کوتاه‌مدت و حتی میان‌مدت امکان‌پذیر نیست. برای اثبات این ادعا در ادامه به شرح و تفسیر ادله خود خواهیم پرداخت: بررسی اجرای سلسله عملیات‌های منظم «شکست دیوارها» (کسرالجدار) توسط دولت اسلامی عراق و پس از آن داعش از 23 ژوئیه 2012 تا 23 ژوئیه 2013، به وضوح حکایت از ظهور 4 مرحله و 29 موج متفاوت عملیاتی به نام داعش در عراق داشت.

انفجارهای بداهه خودروهای بمب‌گذاری‌شده، حمله به مراکز دولتی، ترورهای کور شهروندان و هدفمند سران عشایر و حمله به زندان‌ها، در حالی ماهیت این 4 مرحله و 29 موج را تشکیل می‌داد که این نظم نمایشی از تاکتیک‌ها، توانایی لجستیک و مهارت دولت اسلامی عراق بود که به طور عجیب و سؤال‌انگیزی در قالب 7681 عملیات از 15 نوع مختلف آزاد شده بود¹ (النبأ، 1433: 408).

این سؤال مهم مطرح می‌شود که آیا القاعده و سپس داعش تنها با اتکا به شبکه لجستیک محلی قادر به ایجاد چنین سازمانی بوده‌اند؟ به طور صریح پاسخ این سؤال منفی است. بر این اساس جسیکا لوئیس در قالب دو گزارش نوبه‌ای تفصیلی از عملکرد القاعده در عراق طی سال‌های 2012 و 2013 که مؤسسه مطالعات جنگ آمریکا منتشر کرد، معتقد است پشت نوع طراحی عملیات داعش در میدان نبرد به خوبی می‌توان سابقه برخی فرماندهان صدام را مشاهده کرد که البته عملکرد آنها نیز یادگار آموزش‌های فراگرفته‌شده نزد «خرس‌ها»² در شوروی و شامل نحوه تعیین وسعت میدان نبرد، توزیع نیروها، فریب و زمان‌بندی حمله است و در مجموع می‌تواند نشانه‌های راهبردی فراگیری از ردپای این افراد و شیوه عمل آنان را قابل شناسایی کند (Lewis, 2013: 12).

1. این روندسازی براساس تحلیل عملیات‌های القاعده در عراق انجام شده که در قالب سالنامه النبأ در پایان سال 2012 منتشر شده است.

2. لقب دولت روسیه و دولت شوروی سابق

هر چند ادعای لوئیس ناظر به شیوه‌های عملکردی شاخه القاعده در عراق است که می‌تواند به عنوان شاهدهی غیرمستقیم از همکاری بعضی‌های سابق با داعش مورد استناد قرار گیرد، ادعای ما در اینجا چیزی فراتر از همکاری بازماندگان بعث است که در چارچوب یک سازمان زیرزمینی مقاومت عمل می‌کنند.¹ منظور این مقاله وجود شبکه‌ای از بعضی‌ها داخل ساختار حکومت مرکزی عراق بعد از اشغال است که با بازماندگان بعث مسلح و القاعده همکاری می‌کنند و با تشکیل شبکه‌ای پیچیده، تقریباً هر نوع اقدام علیه داعش را که منشأ آن حکومتی باشد، با شکست مواجه می‌کنند. در واقع این شبکه یکی از مراکز ثقل اصلی قدرت داعش محسوب می‌شود که فرماندار غیرنظامی امریکا در عراق در سال 2004 آن را بنیان گذاشته است. با گذشت یک سال از قانون بعضی‌زدایی²

۱. عزت ابراهیم الدوری، فرمانده کل سازمان جهاد و آزادی، جیش الرجال الطریقه النقشبندیه و شورای کل نظامی انقلابیون عراق، در اولین پیامی که روز 12 ژوئیه پس از اشغال موصل منتشر کرده بود، از نیروهای داعش با عنوان «فاتحان» یاد کرده و خطاب به گروه‌های شبه‌نظامی سنی گفته بود برای پیروزی متحد شوند و اختلافات مذهبی را کنار بگذارند (الدوری، 2014). عبدالصمد الغیری، از مدعیان فرماندهی حزب بعث نیز در کنفرانس عمان در سال 2014، اصطلاح استخفافی «داعش» را که ارتش آزاد سوریه آن را برای تحقیر «دولت اسلامی در عراق و شام» بر سر زبان‌ها انداخته بود، رد کرد و گفت: «حالا ما آن (داعش) را دولت اسلامی خطاب می‌کنیم.» او در عین حال تصدیق کرد که داعش به اهداف خود دست یافته است و از این پس به انقلابیون برای دستیابی به اهداف‌شان کمک خواهد کرد و هم‌چنین تأکید کرد: «ها در مقابله با پروژه ایرانیان صفوی در عراق دارای هدف مشترک هستیم» (وجهات نظر، 2014)، این در حالی است که موصل نیز به خانه ژنرال‌های حزب بعث معروف است و محیط اطراف آن محل سکونت بیش از 300 هزار نیروی ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی - امنیتی بعضی بود. طبق برآورد ارتش آمریکا تا سال 2005، تعداد 1100 افسر رسمی تحت پرچم، 4000 ستوان، 2000 سرباز تمام و 103 هزار سرباز وابسته به بعث در استان نینوا حضور داشته‌اند که هسته شورشیان ضد نیروهای ائتلاف در این استان پس از سقوط صدام را نیز تشکیل می‌دادند (Hamilton, 2008: 2).

2. پیش‌نویس این طرح را داگلاس فیث، معاون سیاست‌گذاری وزارت دفاع، تهیه و پاکسازی بعضی‌ها را منحصراً به چهار لایه بالایی حزب کرده بود. این طرح به طور تقریبی 20 هزار نفر از 2 میلیون عضو بعث در عراق را دربرمی‌گرفت. پس از انتساب پل برمر به عنوان حاکم غیرنظامی عراق، از سوی رامسفلد، وزیر دفاع وقت، یادداشتی 11 بندی خطاب به وی صادر شد که محتوای آن مشتمل بر دستور پاکسازی بدون قید و شرط بود. این نوشتار، مورد استفاده نظریه‌پردازان بعضی‌زدایی در عراق با محوریت احمد چلبی قرار گرفت و با استناد به تجربه موفق نازی‌زدایی در عراق، پل برمر را قانع به

در عراق که به پاکسازی حدود 500 هزار بعثی در رده‌های مختلف مشاغل حکومتی عراق انجامید، از آوریل 2004 پل برمر، حاکم غیرنظامی عراق، با صدور فرمان شماره 100 در روز 28 ژوئن 2004، کمیسیون عالی میهنی بعثی‌زدایی را منحل اعلام کرد تا با بازگشت بعثی‌ها به ساختار حکومتی از میزان مشارکت احتمالی آنان در حمله به نیروهای ائتلاف کاسته شود؛¹ اما با بازگشت حدود 9000 بعثی به مشاغل نظامی و امنیتی، امریکا با پدیده دیگری به نام «نفوذ» روبه‌رو شد (Gavrilis, 2005).

البته این وضع هم اکنون نیز ادامه دارد و موضوع بازگشت و نفوذ بعثی‌ها به ساختار حکومت عراق یکی از مباحث جاری در این کشور است؛ برای مثال «جنبش مردمی ریشه‌کن‌سازی بعث» در آستانه آغاز اعتراضات مناطق سنی‌نشین در سال 2012 فهرستی از 148 نفر از اعضای سابق حزب بعث منتشر کرد که در وزارت‌خانه‌های امنیت و کشور و نیز سازمان‌های زیرمجموعه آن مشغول کار بودند. علاوه بر این، فهرست تأمل‌انگیز دیگری از سوی همین جنبش منتشر شده بود که از نام و مسئولیت 77 افسر عالی‌رتبه در رده‌های فرماندهی استانی در ارتش عراق خبر می‌دهد که اطلاعات آن بسیار تکان‌دهنده است (الحركة الشعبیة لاجتثاث البعث، 2014).

این افراد که به طور مستقل زیر نظر فرماندهی کل قوا در عراق یا همان شخص نخست‌وزیر کار می‌کنند و مستقیماً به او گزارش می‌دهند، در دوره صدام جزء افراد رده‌بالای حزب بعث محسوب می‌شدند و بعضاً فرماندهی کشتار شیعیان یا جبهه نبرد با ایران را بر عهده داشته‌اند (الحركة الشعبیة لاجتثاث البعث، 2014).

به رغم شواهد میدانی موجود، مسئله نفوذی‌ها و ارتباط آن با شبکه القاعده،

صدور فرمان پاکسازی دسته‌جمعی بعثی‌ها از ساختار حکومتی عراق کرد (Pavel, 2012: 32-42).

1. CPA/ORD/28 JUNE 2004/100

داعش و بعثی‌های مسلح وقتی ملموس‌تر می‌شود که به فهرست اسامی عالی‌رتبه کشوری و لشکری عراق در تلفن همراه «عزت الدوری» توجه کنیم. این افراد تا آخرین لحظات قبل از مرگ با مرد شماره یک بعث در تماس بوده‌اند¹ (اخبار العراق، 2015).

در ادامه این بخش، با ترسیم نموداری از قابلیت‌های حیاتی داعش (نفوذی‌ها، اقلیم، سوریه و ترکیه) همراه الزامات حیاتی داعش (ایدئولوژی، عصیت، بدنه مردمی و...) و ارتباط آنها با یکدیگر، مباحث تئوریک به صورت شماتیک درآمده است تا گویاتر شود. هدف اصلی مقاله اخلاص در قابلیت‌های حیاتی داعش است که لازم است برجسته شود و اساس آن مورد بررسی و توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد «نفوذی‌ها» یک متغیر در چارچوب «قابلیت‌های حیاتی» هستند؛ اما این چارچوب از اجزای دیگری تشکیل شده است که خارج از ساختار حکومت عراق قرار دارند. این چارچوب به طور مستقیم به نقش کنشگران دولتی دیگر وابسته است که عملکرد یا نتیجه عملکرد آنان به عنوان اجزای «قابلیت‌های حیاتی» در مرکز ثقل قدرت استراتژیک داعش قابل ارزیابی است.

بر این اساس جمهوری ترکیه، جمهوری عربی سوریه و اقلیم کردستان عراق هر یک به دلایلی که تأمین‌کننده منافع آنهاست، وارد چارچوب قابلیت‌های حیاتی داعش شده‌اند. درباره سوریه اسنادی از دوره اشغال عراق در دست است که نشان می‌دهد حکومت مرکزی بر فعالیت شبکه مالی، تأمین نیرو و لجستیک که تحت رهبری «ابومصعب زرقاوی» در حلب و حومه دمشق فعالیت می‌کرد، نظارت داشته و آن را هدایت می‌کرده است (Bergen & Others, 2008: 69).

1. روز 17 آوریل 2015، ابراهیم عزت الدوری به عنوان فرمانده کل جهاد و آزادی و نجات میهنی و فرمانده جیش الرجال النقشبندیه که در مقام فرمانده «شورای نظامی کل انقلابیون عراق» نیز ایفای نقش می‌کرد، در کمپنی مشترک از سوی نیروهای حشد الشعبی در منطقه‌ای محصور بین العلم و کوه‌های حمیرین در شرق تکریت کشته شد (السومریه نیوز، 2015، الف).

البته یک سر این روابط پیچیده، بعثی‌های عراق بودند که بعد از سرنگونی صدام به دامان حزب بعث در سوریه پناه بردند. حکومت سوریه به دلیل قرابت ایدئولوژیک¹ با بعثی‌های عراق و نیز با هدف مشغول کردن امریکایی‌ها به منظور پیشگیری احتمالی از حمله به سوریه، به شبکه مقاومت متشکل از بازماندگان بعث و القاعده کمک مالی، تسلیحاتی و اطلاعاتی می‌کرد که شاخص‌ترین شاهد عینی حضور بعثی‌ها در سوریه و استفاده آنان از فضای این کشور برای برنامه‌ریزی و اجرای حملات ضد نیروهای ائتلاف، ژنرال محمد یونس الاحمد الموالی بود که همچنان در خاک این کشور مخفی است.² البته این روند بعد از آغاز دور جدید آشوب در عراق از دسامبر 2012 به این سو ادامه داشته است؛ با این تفاوت که این بار خود حکومت سوریه نیز گرفتار جنگ داخلی شده بود که کنشگران زیادی از جمله داعش در آن دخالت داشتند.

بنابراین نقش برقراری موازنه بین معارضین مسلح در سوریه نیز بر نقش آفرینی بعثی‌های سوری اضافه شد. سوری‌ها از یک سو با معارضه ملی این کشور روبه‌رو بودند که در قالب ارتش آزاد با حکومت مرکزی می‌جنگید و از سوی دیگر شاهد اعلام موجودیت جبهه النصره به عنوان شاخه القاعده در این کشور بودند که هدف خود را سرنگونی نظام حاکم بیان کرده بود. همچنین با

1. این مسئله جزو معماهای لاینحل استراتژیک محسوب می‌شود که حکومت سوریه از یک سو به عنوان هم‌پیمان جمهوری اسلامی ایران در محور مقاومت به واسطه برقراری خط حمایت لیجستیک از حزب الله لبنان ایفای نقش می‌کند و از سوی دیگر، در عراق برای براندازی حکومت شیعی نزدیک به جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند.

2. ژنرال غزوان الکیسی، مرد شماره 2 گروه یونس الاحمد در سوریه، طی دو مصاحبه خود با شبکه‌های العربیه و البغداده در روزهای 29 آگوست و 9 دسامبر 2007 به نقش گروه خود در عملیات‌های داخل عراق تأکید کرده و گفته بود: «ما از حامیان خود در عراق خواستیم برای جبران ضعف توانایی‌هایمان با یکدیگر متحد شویم. برای ما مهم نبود قیام را چه کسی رهبری می‌کند؛ خواه اسلام‌گرایان خواه بعثی‌ها! به خصوص اینکه گروه‌های اسلام‌گرا مملو از بعثی‌ها بودند. ما همکاری گسترده‌ای با این گروه‌ها در حمله به نیروهای ائتلاف و دولت عراق داشتیم که با اشغالگران همکاری می‌کرد. البته این اهداف مردم عراق را دربر نمی‌گرفت» (Ali, 2009: 3).

گردهای سوری با محوریت حزب اتحاد دموکراتیک کردستان، شاخه «پ.ک.ک.» در سوریه، روبه‌رو بودند که مشغول موازنه با شورای میهنی گرد تحت نفوذ جریان بارزانی بود. در این میان داعش با اعلام ایدئولوژی جهش‌یافته خود و نیز نظریه جهان‌شمول خلافت، به عنوان دشمن بالفعل تمام این گروه‌ها اعلام موجودیت کرد؛ با این تفاوت که اولویت داعش فتح بغداد و اولویت گروه‌های معارض عرب سوری فتح دمشق بود. بنابراین براساس شواهدی که در دست است، حکومت سوریه برای برقراری موازنه بین این گروه‌ها، از مناطق گردنشین به نفع حزب اتحاد دموکراتیک کردستان و از استان نفت‌خیز دیرالزور به نفع داعش عقب‌نشینی کرد. حکومت سوریه در اقدامی دیگر حملات نظامی خود را که مشتمل بر بمباران هوایی و محاصره جغرافیایی بود، روی نیروهای معارض سوری متمرکز کرد که نتیجه آن تفوق میدانی داعش در سوریه و پیشروی آن به سمت استان رقه و تصرف این استان به عنوان پایتخت خلافت و آغاز حملات این گروه به مناطق گردنشین بود. بنابراین حکومت سوریه با این سلسله اقدامات، موفق به کاهش قدرت عمل نیروهای معارض سوریه و مشغول نگاه داشتن کردها شد. در چنین شرایطی داعش فرصت پیدا کرد با دسترسی به منابع مالی و قابلیت‌های حیاتی خود در عراق، بخش‌های وسیعی از این کشور را در ژوئن 2014 تصرف کند.

اما جمهوری ترکیه، سر دیگر این کلاف سردرگم، از یک سو جدی‌ترین منبع تأمین لجستیک و سلاح معارضین سوری محسوب می‌شود و از سوی دیگر همین رویه را در قبال داعش پیش گرفته است. این خط‌مشی نیز در حالی یک پارادوکس عیان عملکردی محسوب می‌شود که سیاست جمهوری ترکیه از سال 2011 بر مدار براندازی قطعی حکومت مرکزی سوریه قرار دارد و طبیعتاً باید از هر ابزاری برای تقویت معارضینی که هدف راهبردی خود را فتح دمشق قرار

داده‌اند استفاده کند؛ حال آنکه خرید نفت از داعش و اجازه عملیات ندادن به نیروهای ائتلاف از خاک ترکیه علیه داعش، عملاً به بخشی از «قابلیت‌های حیاتی» در مرکز ثقل قدرت استراتژیک داعش تبدیل شده بود که در صورت تداوم، بقای آن را ضمانت خواهد کرد.¹ هر چند ظاهراً بعد از بمب‌گذاری روز 20 ژوئیه 2015 در مرکز فرهنگی سوروج، دولت ترکیه با اجازه ورود نیروهای ائتلاف به چهار پایگاه این کشور، رسماً به ائتلاف ضد داعش پیوسته است، تا زمان نگارش این مقاله، هیچ نشانه‌ای از درگیری نیروهای ترک با داعش در میدان عمل دیده نمی‌شود. با اینکه چنین درگیری‌هایی به واسطه ورود غیرمستقیم ترکیه به جبهه مقابله با داعش قریب‌الوقوع است، دولت ترکیه عملاً مشی سرکوب «پ.ک.ک.» و ایجاد منطقه امن در خاک سوریه برای ورود نیروهای معارض عرب سوری را پیش گرفت.² به نظر می‌رسد مهم‌ترین دلیل جمهوری ترکیه برای اتخاذ چنین رویکردی تشکیل کانتون‌های سه‌گانه از سوی حزب اتحاد دموکراتیک کردستان شاخه پ.ک.ک. کردستان غربی (روژاوا) واقع در شمال سوریه و نیز اعلام استقلال اقلیم کردستان در سال 2014 باشد که خط قرمز امنیتی جمهوری ترکیه محسوب می‌شود. در واقع داعش با حمله به هر دو منطقه کردی از یک سو روند اعلام استقلال اقلیم کردستان را متوقف و از سوی دیگر، کانتون‌های خودگردان در شمال سوریه را با خطر اضمحلال روبه‌رو کرد.³

1. گزارش‌های میدانی زیادی درباره فروش نفت داعش و مسیرهای آن منتشر شده است؛ اما معتبرترین آن گزارش وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا در 23 نوامبر 2014 است که در آن به درآمد حدوداً یک میلیون دلاری داعش از فروش نفت به ترکیه، کردستان عراق و البته حکومت سوریه اشاره شده است (u.s.department of treasury:2014).

2. برگرفته از سه گزارش بررسی ابعاد و دامنه بحران 5 روزه، ترتیبات ایجاد منطقه امن در کردستان سوریه و سناریوهای پیش رو و تحلیلی بر آمار عملیات نیروی هوایی سوریه در ژوئیه 2015 در شمارگان 11، 12 و 13 هفته‌نامه بدر

3. حزب اتحاد دموکراتیک کردستان روز 21 ژانویه 2014، در حالی که نمایندگان «شورای میهنی کرد» همراه ائتلاف معارضان سوری، فردای آن روز برای مشارکت در مذاکراتی با سرنوشت نامعلوم برای

بنابراین آنچه رخ داده در راستای تأمین منافع جمهوری ترکیه بوده است. از این رو منطقی به نظر می‌رسد که جمهوری ترکیه برای غلبه بر موج کردی و جلوگیری از تسری آن به داخل خاک خود نیازمند بقای داعش به عنوان اهرمی مطمئن باشد. این وضعیت زمانی پیچیده‌تر می‌شود که متغیر اقلیم کردستان را به این معادله چندمجهولی بیفزاییم. شواهد عینی زیادی مبنی بر همکاری اطلاعاتی و لجستیکی اقلیم کردستان با بازماندگان بعث و داعش برای به آشوب کشیدن صحنه عراق وجود دارد. منطقی‌ترین ادله اتخاذ چنین رویکردی از سوی کردهای عراق با محوریت جریان بارزانی، باز شدن مسیر دستیابی اقلیم کردستان به استقلال و تبدیل شدن به کیانی مستقل بود که به عنوان یکی از اجزای «قابلیت‌های حیاتی» داعش ایفای نقش می‌کرد. ساده‌ترین تحلیل درباره علت همکاری اقلیم کردستان با شبکه داعش و بازماندگان بعث، تأمین منافع جریان بارزانی از آشوب فزاینده در عراق، به واسطه مهیا شدن اجرای طرح تاریخی استقلال کردستان است. بر اساس این شواهد می‌توان ادعا کرد که «داعش» در شرایطی زمانی و مکانی ظهور یافته که «مرکز ثقل» قدرت استراتژیک آن دربرگیرنده انواع پیچیده‌ای از «قابلیت‌های حیاتی» بوده است.

در حالی «الزامات حیاتی» به عنوان شرط به کارگیری «قابلیت‌های حیاتی» در انجام عملیات تمام‌عیار مطرح شد که این «قابلیت‌های حیاتی» ادعایی، مادی یا

دومین بار راهی ژنو بودند، خبر تشکیل محدوده اداری مستقل در کردستان غربی «روژاوا» با 22 وزارتخانه و ساختار اداری (کانتون) را اعلام کرد که مبنای آن نظریه خودگردانی دموکراتیک عبدالله اوچالان، رهبر پ.ک.ک بود (RT.com: 2014). پس از اعلام تشکیل کانتون از روز 14 مارس 2014، داعش حملات خود به مواضع کانتون‌های کردی در روژاوا را آغاز کرد (Hawarnews, 2014). همین ترتیبات درباره اقلیم کردستان عراق نیز اتفاق افتاد. روز 30 ژوئن 2014، مسعود بارزانی، رئیس اقلیم کردستان، بعد از پنج روز بازی‌های زبانی، بالاخره قصد قطعی اقلیم برای اعلام استقلال را داد؛ اما این سناریو از روز دوم آگوست به واسطه هجوم شدید داعش با خدشه جدی روبه‌رو شد (Voanews; BBC, 2014: A). بنابراین در این نقطه نیز داعش دقیقاً با تهدید وجودی اقلیم کردستان و به محاق بردن مسئله استقلال در راستای منافع ملی جمهوری ترکیه گام برداشت.

دست کم ملموس بودند؛ اما در این مطالعه موردی شروط ضروری، منبع یا مفاهیمی که «قابلیت‌های حیاتی» را برای انجام یک عملیات تمام‌عیار به کار می‌گیرند، کاملاً جنبه عقیدتی، ایدئولوژیک و فرهنگی دارند یا ناشی از محاسبات کنشگران هستند.

در واقع باید پذیرفت «پدیده نفوذی‌ها»، کار شبکه القاعده در عراق را از نظر دسترسی به اطلاعات و انجام عملیات دقیق سهل می‌کند. همچنین بخشی از فرایند اجرای بی‌نقص عملیات‌ها، مدیون حضور فرماندهان سابق بعثی در بدنه القاعده و داعش است؛ اما نمی‌توان به سادگی پذیرفت که القاعده و سپس داعش بدون در اختیار داشتن پایگاه اجتماعی در مناطق سنی‌نشین توانسته‌اند بر یک‌سوم خاک سوریه و عراق تسلط پیدا کنند. در واقع ایدئولوژی از نوعی دولت اسلامی عراق و داعش به واسطه پروژه بزرگ صدام حسین از سال 1993 در چارچوب «حمله الایمانیه» آغاز شد. صدام تا سال 2003 از یک سو با صدور فرمان‌های پیاپی به تغییر ساختار عقیدتی حزب بعث و مردم عراق به واسطه نشر و نهادینه‌سازی عقاید اسلامی جهت‌دار مبادرت کرد و از سوی دیگر به‌رغم هشدارهایی که به وی داده می‌شد، راه فعالیت و تبلیغ وهابیت در عراق را باز گذاشت (Baram, 2011: 10-12).

در سال 2003 به دنبال اضمحلال قدرت مرکزی بعث، کنترل این جریان از دست رفت. در این زمان جامعه اهل سنت عراق و البته حزب بعث دارای عقایدی التقاطی و درهم و برهم از اسلامی - بعثی بودند که القاعده در محوریت آن قرار داشت (Baram, 2011: 10-12).

چنین وضعیتی بلافاصله بعد از اشغال عراق در سوریه نیز اتفاق افتاد. حکومت اسد، به ویژه حزب بعث، برای ضربه زدن به اشغالگران، راه جهادگران خارجی را که عمده آنان از عربستان سعودی برای جهاد با نیروهای ائتلاف از مرزهای این کشور

به عراق وارد می‌شدند، باز گذاشت. آنان در استان‌های مرزی حسکه و دیرالزور رسوب کردند. استان رقه نیز وضعیتی بهتر از این نداشت. تردد اهالی رقه به عربستان سعودی، تحصیل در مدارس دینی وهابی و بازگشت به این استان در کنار گشوده بودن راهروی عبور و مرور نیروی انسانی، مالی و لجستیک القاعده در عراق، از 2003 تا 2013 که شورش در استان‌های سنی‌نشین دوباره از سر گرفته شد، چنان تغییر ایدئولوژیکی در بافت اجتماعی این مناطق ایجاد کرده بود که عملاً آن را به یکی از «الزامات حیاتی» برای به کارگیری «قابلیت‌های حیاتی» در «مرکز ثقل» قدرت استراتژیک القاعده و داعش بدل کرد (Bergen & Others, 2008: 80-97).

بنابراین حکومت‌های وقت عراق و سوریه، به واسطه باز گذاشتن زمینه فعالیت القاعده در خاک خود، باعث ایجاد تغییرات پیچیده عقیدتی - فرهنگی در این مناطق شدند. القاعده نیز به عنوان اصلی‌ترین «الزامات حیاتی» در اجرای «قابلیت‌های حیاتی» داعش به کار گرفته شد.

ذی‌نفع سوم و خودنابودسازی

اکنون می‌دانیم انگیزه‌ها و محاسبات استراتژیک کنشگرانی مانند دولت‌های ترکیه، سوریه و اقلیم کردستان «الزامات حیاتی» به کارگیری ظرفیت آنان به عنوان «قابلیت‌های حیاتی» در «مرکز ثقل» قدرت استراتژیک داعش است. بنابراین کشف «آسیب‌پذیری‌های حیاتی» در «مرکز ثقل» قدرت استراتژیک داعش، چالش‌انگیزترین مسئله مورد بحث است. البته می‌توان ادعا کرد در کوتاه‌مدت، هیچ «آسیب‌پذیری حیاتی» که قادر باشد «عصبیت عام دینی» کاربردی داعش در بعد فراملی را خدشه‌دار کند، وجود ندارد. همچنین هیچ راهکاری برای ایجاد اختلال در اجزای خُرد این عصبیت عام که شامل ایدئولوژی التقاطی بعثی - اسلامی و فرهنگ تمامیت‌خواهی سنی‌های عراق است، در چته ایالات

متحده آمریکا قرار ندارد. بر همین مبنا آمریکا در کوتاه مدت و میان مدت خدشه‌ناپذیری این بخش از «الزامات حیاتی» را پذیرفته است و همگان را به پیش گرفتن «استراتژی صبر» دعوت می‌کند.

اما به نظر می‌رسد راه‌حل‌های نظری دیگری نزد کنشگران دیگر وجود دارد که می‌تواند ستون پایه دوم «الزامات حیاتی» یعنی انگیزش کنشگران ذی‌نفع را هدف قرار دهد. البته باید یادآور شد این راه‌حل، قطعاً تدوین چیزی شبیه «دستور صلح برای همگان» نخواهد بود.

در بهترین شرایط اگر بپذیریم هیچ‌یک از کنشگران منطقه‌ای مد نظر ما در تولید آشوب جاری نقشی نداشته‌اند، هرگز نمی‌توانیم روی این واقعیت چشم ببندیم که آنان با تلاش برای به دست گرفتن کنترل سازمان این آشوب، سعی در تامین منافع خود داشته و در این مسیر منافع جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت را خدشه‌دار کرده‌اند. بنابراین سعی خواهیم کرد بر اساس تبیین معکوس نظریه «هرج و مرج سازنده» یا «هرج و مرج خلاق»، ضد استراتژی خود را تدوین کنیم. این ترتیباتی است که کنشگرانی مانند جمهوری عربی سوریه، جمهوری ترکیه و اقلیم کردستان به وسیله آن، آشوب داعش را در کنترل خود درآوردند؛¹ در نتیجه طرح نظری ما دربرگیرنده جست‌وجوی نقاط نفوذ برای از کار انداختن مکانیسم عمل آن خواهد بود که عبارت است از خارج کردن کنترل بی‌نظمی‌های غیرتصادفی.

عملیاتی شدن این نظریه به طور مستقیم دارای نمود نظامی و سخت‌افزاری ناشی از رفتارهای کاملاً حساب‌شده و سیستماتیک است و به‌رغم ایجاد آشوب،

1. ممکن است این ادعا در زمان انتشار این مقاله خدشه‌دار شده باشد. طبیعتاً تغییرات سریع شرایط جبهه نبرد در سوریه و عراق، ما را با چنین چالشی روبه‌رو می‌کند؛ چنان که به نظر می‌رسد در زمان نگارش این مقاله جمهوری عربی سوریه با قرار گرفتن در معرض تهدید وجودی در اطراف پایتخت عملاً از رده «قابلیت‌های حیاتی» خارج شده باشد. همچنین جمهوری ترکیه پس از همکاری با نیروهای ائتلاف، خود را عملاً در مکانیسم اجرای این ضد استراتژی قرار داده است.

بی‌نظمی ایجادشده را قابل پیش‌بینی، کنترل و هدایت می‌کند.

اگر نحوه مبارزه داعش را از نوع چریکی و پارتیزانی بدانیم، از آنجا که منافع حامیان داعش (که ذی‌نفع سوم شناخته می‌شوند) از سوی داعش به خطر افتاده است، تدوین ضداستراتژی‌هایی که بتواند رابطه داعش با ذی‌نفع سوم را به سیاه‌چاله تبدیل کند، می‌تواند به مهار یا نابودی داعش کمک کند. وظیفه ما در اینجا تدوین شکلی از ضد استراتژی است که داعش را به «گوشت دم توپ» تبدیل و رابطه آن با «ذی‌نفع سوم» را به «سیاه چاله» بدل کند.

این ضد استراتژی روی «آسیب‌پذیری‌های حیاتی» متمرکز خواهد بود؛ اما در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران را از هدف‌گیری «آسیب‌پذیری‌های حیاتی» دولت سوریه و اقلیم کردستان، به عنوان یکی از قابلیت‌های حیاتی «مرکز ثقل» قدرت استراتژیک داعش بی‌نیاز خواهد ساخت؛ زیرا دست‌کم از آغاز سال 2015 شرایط میدانی نبرد در سوریه به سمتی هدایت شده که کنشگری میان حکومت مرکزی و داعش دچار تغییرات اساسی شده است.¹ این تغییر از ژوئیه 2014 شامل حال اقلیم کردستان نیز بوده است؛ بنابراین باید گفت در حال حاضر این دو کنشگر از جایگاه «قابلیت‌های حیاتی» خارج شده‌اند؛ اما در عراق راه‌حل‌هایی عمومی وجود دارد که می‌توان با کاربست آن، بخشی از سرچشمه‌های بحران را در میان‌مدت و بخشی دیگر را در درازمدت خشکاند. تغییر قانون حاکمیت از پارلمانی به ریاستی یکی از راه‌های پر دردسر، اما عملی به نظر می‌رسد. تجربه در عراق بعد از اشغال ثابت کرده است که دولت - ملت‌سازی² در کشوری که یک

1. ارتش سوریه از مارس 2015 با داعش وارد رویارویی نظامی زمینی شده که محدوده آن جبهه مرکزی سوریه از دیرالزور تا تدمر (پالمیرا) و مرزهای شرقی حماه است؛ همچنین واحدهایی از داعش در یرموک، قلمون و حلب با ارتش سوریه وارد درگیری شده‌اند (Kozak, Cafarella & Ball, 2015).

2. مؤسسه رند در تحقیق دوجلدی تاریخ ملت‌سازی به نام‌های «نقش آمریکا در ملت‌سازی: از آلمان تا عراق» و «نقش سازمان ملل متحد در ملت‌سازی: از کنگو تا عراق»، عملیات آمریکا در آلمان و ژاپن (پس از جنگ جهانی دوم)، سومالی، هاییتی، بوسنی، کوزوو و افغانستان و در عراق را ملت - سازی

اقلیت سنی به چیزی جز سیادت بر آن رضایت نمی‌دهد، به شیوه پارلمانی راه به جایی نخواهد برد. علاوه بر این موقعیت شیعیان به واسطه سهم‌خواهی‌های حزبی، عملاً به جای بالندگی قدرت شیعیان، آن را به اضمحلال کشیده است. بنابراین اجرای دموکراسی به شیوه پارلمانی که دو هسته قدرتمند در جدال بدون تفوق بر سر قدرت هستند، جز به هرج و مرج فرساینده نخواهد انجامید؛ در حالی که با تغییر قانون حاکمیتی از پارلمانی به ریاستی، نتیجه برگزاری انتخابات دموکراتیک در عراق بنابر شیوه دموکراسی عددی، حاصلی جز استقرار جمهوری شیعه نخواهد داشت که می‌تواند به مسئله «نفوذی‌ها» پایان دهد. البته اجرای چنین سناریویی مستلزم کادرسازی جدید در فضای سیاسی عراق است؛¹ زیرا به خوبی می‌دانیم طی دو دوره نخست‌وزیری نوری مالکی، یکی از معتمدترین عناصر سیاسی شیعه عراق، دست‌کم 148 عضو عالی‌رتبه حزب بعث به وزارت کشور بازگشتند و 77 افسر عالی‌رتبه و عضو حزب بعث که سابقه جنایت داشتند در ساختار امنیتی عراق، متصدی مسئولیت‌های کلیدی شدند (الحركة الشعبیة لاجتثاث البعث، 2014).

با عبور از راه‌حل عمومی درباره عراق که یک استراتژی میان‌برد و حتی بلنددامنه محسوب می‌شود، وارد اصلی‌ترین بخش مقاله یعنی تدوین ضد استراتژی فوری برای ناکارآمد کردن «مرکز ثقل قدرت» استراتژیک داعش خواهیم شد. بر این اساس، برهم زدن سازمان آشوب و خروج اضطراری کنشگران ذی‌نفع از مدار حمایت از داعش می‌تواند راهبردی مؤثر باشد. درست است که قادر به هدف قرار دادن اصلی‌ترین «الزام حیاتی» مرکز ثقل قدرت داعش، یعنی ایدئولوژی جهش‌یافته و جذاب آن که منشأ جذب دائم نیروی

نامیده بود (Cordesman, 2006: 2-3). همچنین دخالت سازمان ملل در کونگوی بلژیک، نامیبیا، ال سالوادور، کامبوج، موزامبیک، اسلونی شرقی، سیرالئون و تیمور شرقی و عراق در این پژوهش «هلت‌سازی» نامیده شده است (Dobbins, 2003: 1-47).

1. این فرصت پس از تشکیل حشد الشعبی به خوبی در دسترس جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

انسانی است نیستیم، اما برهم‌زدن سازمان آشوب و خروج اضطراری کنشگران ذی‌نفع از مدار حمایت از داعش می‌تواند راهبردی مؤثر باشد. تنها کریدور حیاتی کنونی که داعش برای تأمین مالی و نیروی انسانی خود به آن وابسته است، خاک جمهوری ترکیه است. اطلاعات پلیس ملی ترکیه نشان می‌دهد حدود 3000 نفر در خاک این کشور به طور مستقیم با داعش ارتباط دارند و با عنوان «سلول‌های خاموش» در شهرهای آدانا، آکسارای، آنکارا، غازی‌آنتپ، استانبول، کیلیس، قونیه، مرسین و سانلیورفا، مشغول رتق و فتق امور داعش هستند.¹ فعال شدن چنین ظرفیتی به شکل طبیعی یا غیرطبیعی به معنی برهم‌خوردن سازمان آشوب به ضرر ترکیه و ناکارآمد کردن مرکز ثقل قدرت استراتژیک داعش و ایجاد شکاف استراتژیک بین ترکیه و داعش و تبدیل داعش به گلوله دم توپ ترکیه است. نتیجه این فرایند در بعد تئوریک همان رابطه‌ای خواهد بود که «اشمیت» و «مولر» در ادبیات جنگ‌های پارتیزانی با عنوان سیاه چاله از آن یاد کرده‌اند.²

1. بررسی حمله انتحاری روز نهم ژانویه 2015 نشان می‌دهد که شخص عملیات‌کننده از خاک سوریه وارد ترکیه شده بود. طبق اظهارات وزیر امور خارجه ترکیه، 700 نفر از اتباع ترک برای داعش می‌جنگند (HIS, 2015).

2. چنین طرحی از راه دستکاری در ترتیبات دکترین نظری داعش کاملاً عملیاتی به نظر می‌رسد. بعد از ورود عربستان به ائتلاف ضد داعش در سوریه و عراق، ابوبکر البغدادی با صدور بیانیه‌ای «آل سعود» را «آل سلول» (یک منافق در صدر اسلام) خطاب کرد و به آنان وعده اضمحلال داد. همچنین به غرب در چارچوب جنگ صلیبی اعلام جنگ کرد و مسئولیت اجرای ده‌ها عملیات انفرادی در اروپا، آمریکا و استرالیا را بر عهده گرفت. این روند نشان می‌دهد که می‌توان ترتیبات اجرایی داعش را که فتح بغداد، مکه و مدینه، قدس و روم است، تغییر داد (DABIQ, PP. 4 - 5). برای مثال روز جمعه 24 ژوئیه 2015 به دنبال درگیری زمینی ارتش ترکیه با نیروهای داعش در الراعی در شمال شرق حلب، ائمه جمعه منصوب داعش در روستاهای این شهر در خطبه‌های نماز، بسیج عمومی برای جنگ با ترکیه را با این ادله که ترکیه از اسلام دفاع نمی‌کند و برای کشتن مسلمین با ارتش صلیبی همکاری دارد، آغاز کردند (SyriaHR, 2015).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد اجرای ترتیبات مندرج در این مقاله، جمهوری اسلامی ایران را قادر خواهد کرد تا سازمان آشوب را در سطح بالایی دچار اختلال کند که نتیجه نظری آن چیزی جز حرکت بر مدار چرخه ترسیم‌شده پیشین در ادبیات پارتیزان نخواهد بود. در واقع چنین راهکاری، طی یک راه فرعی برای هدف قرار دادن «الزامات حیاتی» است که در اینجا عبارت از انگیزه یا منافع کنشگران ذی‌نفع در بقای داعش است. در واقع ما از این کنشگران ذی‌نفع به عنوان «قابلیت‌های حیاتی» در مرکز ثقل قدرت داعش یاد کردیم که با خدشه به نظم و سازمان هرج و مرج تحت کنترل آنان، این کنشگران طبیعتاً وادار به آغاز فرایند «خودنابودسازی»¹ خواهند شد که نتیجه آن ضربه جدی به ساختار مرکز ثقل قدرت استراتژیک یا منابع قدرت اولیه داعش خواهد بود. طبیعتاً ممکن است ایجاد منطقه امن و ورود نیروهای معارض سوری آموزش‌دیده توسط پنتاگون به خاک سوریه، نشانه‌هایی از آغاز فرایند خودنابودسازی داعش باشد؛ اما امکان دارد تداوم فعالیت این فرایند، مکانیسم‌های دیگری، مثل برنامه‌ریزی برای ساقط کردن حکومت مرکزی سوریه، در مقطع زمانی بعد یا حتی موازی با فرایند نابودی داعش را فعال کند که نتیجه آن حمله به «فرااستراتژی»² جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری عربی سوریه خواهد بود. بنابراین ماهیت سیال محیطی، ما را از تدوین ضد استراتژی بلنددامنه برحذر می‌دارد؛ چنان که ممکن است تقدم و تأخر استراتژی و فرااستراتژی برای جمهوری اسلامی ایران دچار تغییر شود یا

1. Self - Destruction

2. جمهوری اسلامی ایران در سوریه با پیچیدگی‌های زیادی روبه‌روست که مربوط به مسئله اسرائیل است. «حذف اسرائیل» برای جمهوری اسلامی ایران یک «فرااستراتژی» محسوب می‌شود که تقریباً تمام شئون سیاست خارجی آن را تحت تأثیر قرار داده است. طبعاً حفظ بقای حکومت مرکزی در سوریه به دلیل جایگاه ژئوپلیتیک آن در این فرااستراتژی خود به یک استراتژی تبدیل شده است که قید «به هر قیمتی» را با خود یدک می‌کشد (آزاد، 1391: 194-179).

حتی ضد استراتژی تدوین شده در این مقاله، روز بعد از انتشار، کارایی خود را از دست دهد. در پایان قویاً بر کوتاه‌دامنه و مقطعی بودن ساختار ترسیم شده و مصادیق قرار داده شده در چارچوب آن تأکید می‌کنیم.

پایان‌نامه فارسی

- آزاد، امیرحامد (1391)، *بررسی تطبیقی روابط سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران، جمهوری ترکیه با جمهوری عربی سوریه، دولت خودگردان و حماس و تأثیر آن بر جریان مقاومت مسلحانه اسلامی در فلسطین (2012-2011)*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی دانشکده علوم سیاسی، پایان‌نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد.

گزارش‌های فارسی

- آزاد، امیرحامد (1394)، «بررسی ابعاد و دامنه بحران پنج روزه: از شبکه «پ.ک.ک» تا 3000 سلول خاموش داعش»، *هفته‌نامه بدر*، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ش 11.

- آزاد، امیرحامد (1394)، «ترتیبات ایجاد منطقه امن در کردستان سوریه و سناریوهای پیش رو»، *هفته‌نامه بدر*، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ش 12.

پایگاه‌های خبری فارسی

- بخش فارسی پایگاه اطلاع‌رسانی مقاومت اسلامی لبنان، «سخنرانی سید حسن نصرالله، دبیرکل حزب الله لبنان، در جشن هشتمین سالگرد پیروزی حزب الله در جنگ 33 روزه»:

<http://www.moqawama.ir/?speech=930118&title=>

کتاب عربی

- السعیدی، اسامه و دیگران، (2014)، *استان الانبار، احزاب و جریان‌های سیاسی و دینی در استان الانبار*، مرکز العراق للدراسات.

- الهاشمی، محمد صادق (2013)، *سنه العراق: درسه فی ابرز التحولات السياسيه الاحزاب السنیه فی العراق بعد عام 2003*، سلسله اصدارات مرکز العراق للدراسات: 62.

نشریات عربی

– نشرة النبأ، حصاد العمليات العسكرية للدولة الإسلامية، لسنة 1433 في العراق منتدى ثورة العراق:

<https://azelin.files.wordpress.com/2014/04/al-binc481-magazine-1.pdf>

پایگاه‌های خبری عربی

– أخبار العراق (2015)، «مصدر يكشف أسماء السياسيين التي وُجِدَتْ بهاتف الدورى»:

<http://www.waradana.com/news/iraq/43/81044/>

– عبدالله، دلشاد (2014)، تجار يروون لـ الشرق الأوسط كيفية تهريب نفط «داعش»:

<http://www.shababek.de/pw3/?p=4109>

– الدورى (2014)، «خطاب المهيب الركن عزة ابراهيم الدورى»، تموز:

<https://www.youtube.com/watch?v=2zbJfreEEbQ>

– الحركة الشعبية لاجتثاث البعث (2014):

<http://www.no-ba3th.com/news.php?action=view&id=258>

– فرحات، الياس (2014 الف)، قوات البيشمركة على خط الجبهة فى خازر على بعد 40 كلم من اربيل:

<http://www.assafir.com/Article/1/365615>

– دبانه، ريتا (2014)، «أنابيب مدفونة تمتد عبر الحدود بالفيديو والصور: كيف يهرب داعش النفط السورى

تحت سمع ونظر الأمن التركى»: <http://24.ae/article/115357/>

– راديو المرصد (2015 الف)، «قائمة تحمل 44 الف توقيع مواطن بصرى تقدم للمفوضية لتحويل المحافظة الى اقليم»:

<http://almirbad.com/news/view.aspx?cdate=15042015&id=0643269f-bd13-4142-bccc->

df90920901fc

منايع لاتين

- Ali, Fadhil, (2009), "Reviving the Iraqi Ba'ath: A Profile of General Muhammad Yunis al-Ahmad", *Terrorism Monitor*, Vol VII, Issue 3: The Jamestown Foundation: http://www.jamestown.org/fileadmin/JamestownContent/TM_007_3.pdf
- ARANews (2014), Erbil Hosts Terrorists and Ex-Baathists: Iraqi PM: <http://aranews.net/2014/07/erbil-hosts-terrorists-ex-baathists-iraqi-pm/>
- Bergen & Others, (2008), Bombers, Bank Accounts and Bleedout: Al - Qaida's Road in and

- Out of Iraq: Combating Terrorism Center: https://www.ctc.usma.edu/v2/wpcontent/uploads/2011/12/Sinjar_2_FINAL.pdf
- Baram, Amatzia, (2011), *From Militant Secularism to Islamism: The Iraqi Ba'ath Regime 1968-2003*, History and Public Policy Program, Occasional Paper ,Conflict Records Research Center (CRRC) at the National Defense University <http://www.wilsoncenter.org/sites/default/files/From%20Militant%20Secularism%20to%20Islamism.pdf>
 - Barnes, Julian, (2014), "Sunni Extremists in Iraq Occupy Hussein's Chemical Weapons Facility", *Wall Street Journal*, June 19, <http://online.wsj.com/articles/sunni-extremists-in-iraq-occupy-saddams-chemical-weapons-facility-1403190600B>. B.C:2014:A:http://www.bbc.co.uk/persian/world/2014/07/140701_103_iraq_kurdistan_independence.shtml
 - CPA/ORD/28 JUNE 2004/100. Coalition Provisional Authority Order Number 100, Transition of Laws, Regulations, Orders, and Directives Issued by the Coalition Provisional Authority: http://www.iraqcoalition.org/regulations/20040628_CPAORD_100_Transition_of_Laws_Regulations_Orders_and_Directives.pdf
 - CFR (2005), B: *IRAQ: Infiltration of Iraqi Forces*: Sharon Otterman, February 28, <http://www.cfr.org/iraq/iraq-infiltration-iraqi-forces/p7828>
 - Cordesman, Anthony H. Milestones, (2006), *Iraq: Milestones, Benchmarks, and Real World Options*, http://csis.org/files/media/isis/pubs/061030_iraq_benchmarks.pdf
 - Cowell, Alan, (2014), "Low-Grade Nuclear Material is Seized by Rebels in Iraq,U.N. Says," New York Times, July 11, http://www.nytimes.com/2014/07/11/world/middleeast/iraq.html?_r=0
 - Caris, Charles C. & Reynolds, Samuel, (2014), "ISIS Governance in Syria", *Midd East Security Report* 22, Published in the United States of America by the Institute for the Study of War: http://www.understandingwar.org/sites/default/files/ISIS_Governance.pdf
 - Cafarella, Jennifer, (2015), *Syrian Jihadists Signal Intent for Lebanon*, Backgrounder, Published in the United States of America by the Institute for the Study of War: http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Syrian_Backgrounder_approved_0.pdf
 - Maj Susan E, Durham, (1997), Chaos Theory for Thepractic Almilitary Mind, In Partial Fulfillment of the Graduation Requirements of ACSC, AU/ACSC/0229/97-03: <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/acsc/97-0229.pdf>
 - Dobbins, James, (2003), ...*America's Role in Nation- BuildingFrom Germany to Iraq*: Rand.http://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/monograph_reports/MR1753/MR1753_pref.pdf
 - Dabiq, Issue1, (1435), "The Return of Khilafah": 1-26

- Durham, Maj Susan E, (1997), *Chaos Theory for The Practical Military Mind*, In Partial Fulfillment of the Graduation Requirements of ACSC,AU/ACSC/0229/97-03: <http://www.au.af.mil/au/awc/awcgate/acsc/97-0229.pdf>
- Dabiq, Issue2, Ramadan 1435, *The Felood*: [https:// azelin. files.wordpress.com/ 2014/07/ islamic-state-e2809cdc481biq-magazine-2e280b3.pdf](https://azelin.files.wordpress.com/2014/07/islamic-state-e2809cdc481biq-magazine-2e280b3.pdf)
- DABIQ, Issue 4: The Faild Crusade: <http://media.clarionproject.org/files/islamic-state/islamic-state-isis-magazine-Issue-4-the-failed-crusade.pdf>
- DABIQ, Issue 5: Remaining and Expanding: <http://media.clarionproject.org/files/islamic-state/isis-islamic-state-magazine-issue-5-remaining-and-expanding.pdf>
- DOD News Briefing with Gen, Odierno from the Pentagon, Presenter: Commander, U.S. Forces-Iraq Gen.Raymond Odierno, June 04, 2010, <http://www.defense.gov/transcripts/transcript.aspx?transcriptid=4632>
- Gavrilis (2005), *Who are the Infiltrators?*, James A. Gavrilis: <http://www.cfr.org/iraq/iraq-infiltration-iraqi-forces/p7828>
- Hamilton, Eric (2008), *The Fight for Mosul: March 2003 – March 2008*, A Publication of the Institute for the Study of War And Weekiyst Standard, Com: <https://www.understandingwar.org/sites/default/files/reports/Iraq%20Report%208.pdf>
- Huria, Sonali, (2008), "Failing and Failed States The Global Discourse", Institute of Peace and Conflict Studies, *New Delhi*, Developing an Alternative Framework for Peace and Security in the Region, NO 75: http://ipcs.org/pdf_file/issue/488058650SR62-Raji-NDeal.pdf
- HIS (2015), "*Leaked Report Indicates Islamic State Contingency's* Capability to Mount Attacks in Turkey, Targeting Western Diplomatic and Commercial Assets: <http://www.janes.com/article/48123/leaked-report-indicates-islamic-state-contingency-s-capability-to-mount-attacks-in-turkey-targeting-western-diplomatic-and-commercial-assets>
- Kozak, Christopher, Cafarella, Jennifer & Ball, Nicolas, (2015), *ISIS in Syria Campaign Update*, <http://iswsyria.blogspot.com/2015/04/isis-in-syria-campaign-update-march-31.html>
- *ISIS: Portrait of a Jihadi Terrorist Organization*, (2014), The Meir Amit Intelligence and Terrorism Information Center, At the Israel Intelligence & Heritage Commemoration Center: <http://www.terrorism-info.org.il/en/article/20733>
- Echevarria, Antulio J., (2002), Clausewitz's Center of Gravity: Changing Our Warfighting Doctrin - Again! :Strategic Studies Institute: <http://www.strategicstudiesinstitute.army.mil/pdf/PUB363.pdf>

- Lewis, Jessica (2013), *AQI Resurgent*, Parts I & II, ISW, September – October, Published in the United States of America by the Institute for the Study of War: http://understandingwar.org/sites/default/files/JessVBIED_PartII_3Oct.pdf and http://understandingwar.org/sites/default/files/AQI-Resurgent-10Sept_0.pdf
- Lewis, Jessica D. (2014), *The Islamic State: A Counter-Strategy for a Counter-State*: Middle East Security Report 21, Published in the United States of America by the Institute for the Study of War: [http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Lewis-Center%20 of %20gravity.pdf](http://www.understandingwar.org/sites/default/files/Lewis-Center%20of%20gravity.pdf)
- Pavel, Ryan, (2012), *The De-Baathification of Iraq The Development and Implementation of an Ostensibly Necessary Vetting Policy That turned into a Tool of Sectarianism*, International Studies – Honors in the University of Michigan: [http://deepblue.lib.umich.edu/bitstream/handle/2027,42/91888/rpavel.pdf?sequence=1](http://deepblue.lib.umich.edu/bitstream/handle/2027.42/91888/rpavel.pdf?sequence=1)
- Roggio, Bill & Weiss, Caleb, (2015), *Islamic State Assaults Baiji Oil Refinery*, <http://www.longwarjournal.org/archives/2015/04/islamic-state-assaults-baiji-oil-refinery.php>
- Schmitt Chmitt, Carl, (2004), *The Theory of the Partisan*, A Commentary / Remark on the Concept of the Political, 1962, Translated by A. C. Goodson, Michigan State University, East Lansing: <http://obinfonet.ro/docs/tpnt/tpntrex/cschmitt-theory-of-the-partisan.pdf>
- Trainor, (2005), *Who Are the Infiltrators?*: Three-star Marine General Bernard Trainor: <http://www.cfr.org/bio.php?id=8496>
- RT. com (2014), *Syrian Kurds Declare Autonomy on eve of Geneva 2* Published time: January 21, 2014: <http://rt.com/news/syria-kurds-autonomy-geneva-989/>
- U.S. Department of Treasury (2014), *Remarks of Under Secretary for Terrorism and Financial Intelligence David S. Cohen at The Carnegie Endowment for International Peace, “Attacking ISIL’s Financial Foundation”*: <http://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl2672.aspx>
- VOA, (2014 a), <http://ir.voanews.com/content/izadi-iraq/1972520.html>
- Wintrobe, Ronald (2001), *How to Understand, and Deal with Dictatorship: an Economist’s View*, Political Economy Research Group University of Western Ontario, London, Ontario N6A5C2, Canada: [http://www.rochelleterman.com/ComparativeExam/sites/default/files/Bibliography%20 and%20Summaries/Wintrobe%202002.pdf](http://www.rochelleterman.com/ComparativeExam/sites/default/files/Bibliography%20and%20Summaries/Wintrobe%202002.pdf)
- Weiss, Caleb (2015 b), *Islamic State Uses Drones to Coordinate Fighting in Baiji*: <http://www.longwarjournal.org/archives/2015/04/islamic-state-uses-drones-to-coordinate->

fighting-in-baiji.php